



نقدی بر دانش مدیریت

(پژوهش مدیریتی و دانش مدیریت)

تألیف:
پال گریزری

ترجمه:
محمد صائبی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۸۹

گرایزری، پول، ۱۹۵۱- م.
نقدی بر دانش مدیریت (پژوهش مدیریتی و دانش مدیریت) / پول گرایزری؛ ترجمه محمد صائبی. - قم:
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
ده، ۳۶۵ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۸۳: مدیریت؛ ۵)
ISBN: 978-600-5486-47-6
بهاء: ۴۳۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۳۳۷] - ۳۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
واژه نامه.
نمایه.
۱. مدیریت - تحقیق. ۲. مدیریت دانش. الف. صائبی، محمد، ۱۳۲۴، مترجم. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
ج. عنوان.
۱۳۸۹
۷ ن ۴ گ / ۴ / ۳۰ HD
۶۵۸ / ۴۰۳۸
۲۰۹۸۰۳۰
شماره کتابشناسی ملی



نقدی بر دانش مدیریت (پژوهش مدیریتی و دانش مدیریت)

مؤلف: پال گریزری

مترجم: دکتر محمد صائبی

حروفچینی و صفحه آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۹

تعداد: نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۴۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۲۱۱۱۱-۰۲۵۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰، ۶۶۹۷۸۹۲۰

www.rihu.ac.ir

Email:inforihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأویس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این کتاب برای رشته مدیریت در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا قابل استفاده می‌باشد.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مترجم محترم جناب آقای دکتر محمد صائبی و همچنین جناب آقای دکتر حسن دانایی فرد که ارزیابی ترجمه را عهده دار بودند سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم.....	۱
پیشگفتار مؤلف.....	۳
این کتاب چه می‌گوید؟.....	۳
چرا این کتاب به نگارش درآمد؟.....	۴
این کتاب برای کیست؟.....	۶
بحث اصلی این کتاب چیست؟.....	۱۰
ساختار کتاب.....	۱۳
سبک کتاب.....	۱۴
یادداشت‌ها.....	۱۸
بخش اول: اندیشه دانش مدیریت.....	۱۹
پیشگفتار.....	۲۱
یادداشت‌ها.....	۲۳
فصل اول: مدیریت چیست؟.....	۲۴
۱-۱. آیا مدیریت رشته علمی - دانشگاهی است؟.....	۲۴
۲-۱. «مدیریت»، مفهومی و پیوندی.....	۳۴
۳-۱. تعاریف تحلیلی.....	۳۶
۴-۱. آیا مدیریت همان است که آموزش مدیریت بهبود می‌دهد؟.....	۴۱
۵-۱. پژوهشگر مدیریت کیست؟.....	۴۶
* خلاصه.....	۴۷
یادداشت‌ها.....	۴۹

فصل دوم: معرفت و منفعت.....	۵۱
۱-۲. سرشت معرفت.....	۵۳
۱-۱-۲. نظریه انتقادی و دانش مدیریت.....	۵۸
۲-۲. حقیقت و پیچیدگی.....	۶۲
۳-۲. سودمندی و اعتبار.....	۶۹
* خلاصه.....	۷۴
یادداشت‌ها.....	۷۶
فصل سوم: تحریف و سوگیری.....	۷۸
۱-۳. سوگیری علمی - دانشگاهی.....	۷۹
۱-۱-۳. سوگیری روش‌شناختی.....	۸۰
۲-۱-۳. مثلث‌بندی یا کثرت‌گرایی.....	۸۱
۳-۱-۳. سوگیری محتوایی.....	۸۴
۲-۳. حجم شواهد.....	۸۸
۳-۳. سایر ساز و کارهای تحریف‌کننده.....	۹۲
۱-۳-۳. سوگیری انتشاراتی.....	۹۳
۲-۳-۳. سوگیری اشاعه.....	۹۵
۳-۳-۳. سوگیری حامیان.....	۹۷
* خلاصه.....	۹۹
یادداشت‌ها.....	۱۰۰
فصل چهارم: نسبت فرهنگ در پژوهش مدیریتی.....	۱۰۲
۱-۴. اندیشه فرهنگ ملی و زمینه پژوهش مدیریتی.....	۱۰۲
۲-۴. باورهای فرهنگی مؤثر بر پژوهش مدیریتی.....	۱۰۷
۳-۴. محتوای فرهنگی نظریه مدیریت.....	۱۱۲
* خلاصه.....	۱۱۷
یادداشت‌ها.....	۱۱۹
نتیجه‌گیری بخش اول.....	۱۲۰
بخش دوم: چهار پارادایم پژوهشی شاخص.....	۱۲۱
پیشگفتار.....	۱۲۳
یادداشت‌ها.....	۱۳۰

فصل پنجم: اثباتی و واقعی.....	۱۳۱
۱-۵. قیاس با علوم طبیعی.....	۱۳۲
۱-۱-۵. تجربه‌گرایی.....	۱۳۲
۲-۱-۵. برنامه جزء‌گرایی.....	۱۳۴
۳-۱-۵. اندیشه قوانین طبیعی.....	۱۳۵
۴-۱-۵. آرمان‌های مشترک استقلال پژوهش و تکرارپذیری.....	۱۳۶
۵-۱-۵. اعتقاد به سطوح متراکم احتمال.....	۱۳۶
۲-۵. معنای اثبات‌گرایی.....	۱۳۷
۳-۵. اثبات‌گرایی در نظریه مدیریت.....	۱۴۰
۴-۵. نقادی اثبات‌گرایی.....	۱۴۴
۱-۴-۵. واقعیت‌ها را نمی‌توان از نظریه‌ها مجزا کرد.....	۱۴۴
۲-۴-۵. پژوهشگر نمی‌تواند کاملاً از موضوع مورد پژوهش مستقل باشد.....	۱۴۴
۳-۴-۵. افراد مورد پژوهش (سوژه‌ها) مستقل از نظریه‌هایی نیستند که رفتار آنها را تبیین می‌کنند.....	۱۴۵
۴-۴-۵. حذف ارزش‌ها از پژوهش‌های اجتماعی میسر نیست.....	۱۴۶
۵-۴-۵. تبیین نظری فراتر از پیش‌بینی صرف پدیده‌هاست.....	۱۴۶
۵-۵. دیدگاه واقعیت‌گرایی.....	۱۴۸
۶-۵. اعتراض به واقعیت‌گرایی.....	۱۵۱
۱-۶-۵. برتری نسبت به اثبات‌گرایی.....	۱۵۱
۲-۶-۵. مسائل خاص واقعیت‌گرایی.....	۱۵۱
۷-۵. گمان و نفی.....	۱۵۲
۸-۵. نظریه بنیادین یا داده‌بنیاد.....	۱۵۴
* خلاصه.....	۱۵۶
یادداشت‌ها.....	۱۵۷
فصل ششم: نظریه مدیریت به منزله معنا.....	۱۶۰
۱-۶. تفسیر‌گرایی.....	۱۶۴
۱-۱-۶. پدیدارشناسی.....	۱۶۵
۲-۱-۶. علم تفسیر.....	۱۶۹
۳-۱-۶. تفسیر‌گرایی ناکام.....	۱۷۸
۲-۶. رویکردهای وضعیت خاص در نظریه اجتماعی.....	۱۷۹
۱-۲-۶. زندگی‌نامه به منزله دانش.....	۱۷۹

۱۸۱.....	۲-۲-۶. محدودیت‌های زندگی‌نامه‌گرایی.....
۱۸۳.....	* خلاصه.....
۱۸۴.....	یادداشت‌ها.....
۱۸۶.....	پیوستی بر فصل‌های پنجم و ششم و پیش‌درآمدی بر فصل‌های هفتم و هشتم.....
۱۹۰.....	یادداشت‌ها.....
۱۹۱.....	فصل هفتم: واسازی یا ساخت‌شکافی مدیریت.....
۱۹۳.....	۱-۷. «میشل فوکو» و دانش مدیریت.....
۱۹۴.....	۱-۱-۷. تاریخ، دانش و قدرت.....
۱۹۶.....	۲-۱-۷. مرزهای معنا.....
۲۰۰.....	۳-۱-۷. کاوشی در پیشینه نظریه معاصر.....
۲۰۴.....	۴-۱-۷. میراث «فوکو» برای دانش مدیریت و نقادی‌های بالقوه.....
۲۰۷.....	۲-۷. «دریدا»، سلطان پسا - همه‌چیز.....
۲۱۱.....	* خلاصه.....
۲۱۲.....	یادداشت‌ها.....
۲۱۴.....	فصل هشتم: پژوهش در عمل.....
۲۱۶.....	۱-۸. پژوهش مشارکتی یا توأم با همکاری.....
۲۱۶.....	۱-۱-۸. آرمان مردم‌سالاری.....
۲۱۹.....	۲-۱-۸. پژوهش با همکاری مبتنی بر اعتماد متقابل.....
۲۲۱.....	۳-۱-۸. تغییر رویه و تغییر دانش.....
۲۲۴.....	۲-۸. پژوهش عملی و علم عملی.....
۲۲۸.....	۳-۸. اعتبار و مردم‌سالاری.....
۲۳۱.....	* خلاصه.....
۲۳۲.....	یادداشت‌ها.....
۲۳۴.....	نتیجه‌گیری بخش دوم.....
۲۳۹.....	بخش سوم: اجزای روش‌شناسی‌های پژوهش مدیریتی.....
۲۴۱.....	پیشگفتار.....
۲۴۳.....	فصل نهم: روش‌شناسی به منزله سازوکار.....
۲۴۴.....	۱-۹. ارائه حقیقت.....

۲۴۷.....	۲-۹. چگونگی تهیه و انتشار مقاله پژوهشی «خوب».....
۲۵۲.....	۳-۹. روش به منزله نظام.....
۲۵۴.....	۱-۳-۹. باز هم در پی ضابطه و قاعده.....
۲۵۶.....	۲-۳-۹. روش به منزله سازمان.....
۲۵۹.....	* خلاصه.....
۲۶۰.....	یادداشت‌ها.....
۲۶۲.....	فصل دهم: دانش و عمل در پژوهش مدیریتی.....
۲۶۳.....	۱-۱۰. دانش و فناوری.....
۲۶۵.....	۲-۱۰. عمل به منزله راه رسیدن به دانش.....
۲۶۹.....	۳-۱۰. توازن بین دانش و عمل در پژوهش مدیریتی.....
۲۷۲.....	۴-۱۰. یک مثال.....
۲۷۷.....	۵-۱۰. درجات بی‌اعتباری برابر در فلسفه‌های پژوهش.....
۲۸۰.....	* خلاصه.....
۲۸۱.....	یادداشت‌ها.....
۲۸۳.....	فصل یازدهم: شواهد، پژوهش و یادگیری.....
۲۸۳.....	۱-۱۱. رویکردهای سه‌گانه به شواهد و نظریه.....
۲۸۵.....	۱-۱-۱۱. رویکرد یکم: شواهد، احتمال در پی دارند.....
۲۸۷.....	۲-۱-۱۱. رویکرد دوم: شواهد نظریه را نمایان می‌کنند.....
۲۸۹.....	۳-۱-۱۱. رویکرد سوم: شواهد با نظریه پیوند درونی دارند.....
۲۹۴.....	۲-۱۱. «دانش» مدیریت و عرصه عملی مدیریت.....
۲۹۷.....	۳-۱۱. جذب پژوهش مدیریتی.....
۳۰۱.....	* خلاصه.....
۳۰۲.....	یادداشت‌ها.....
۳۰۴.....	فصل دوازدهم: مدیریت و دانش.....
۳۰۴.....	۱-۱۲. برخی اعتراض‌ها.....
۳۰۴.....	اعتراض اول: قابلیت تعمیم.....
۳۰۷.....	اعتراض دوم: داده‌های سازمان یافته.....
۳۰۸.....	اعتراض سوم: آیا شرط‌ها همه باطل می‌شوند؟.....
۳۱۱.....	۲-۱۲. پس چرا باید اصلاً نگران پژوهش مدیریتی باشیم؟.....
۳۱۲.....	۱-۲-۱۲. نظریه بحرانی.....

۳۱۳.....	۲-۲-۱۲. نظریه بحرانی، چیزی برتر.....
۳۱۸.....	۳-۱۲. بنابراین پژوهش مدیریتی به چه علایقی می‌پردازد؟.....
۳۲۱.....	۴-۱۲. دانش مدیریت.....
۳۲۸.....	۵-۱۲. مدیریت به منزله قالب‌بندی پویا.....
۳۳۰.....	* خلاصه.....
۳۳۱.....	یادداشت‌ها.....
۳۳۴.....	نتیجه‌گیری بخش سوم.....
۳۳۷.....	منابع و مآخذ.....
۳۴۳.....	واژه‌نامه (انگلیسی - فارسی).....
۳۵۳.....	واژه‌نامه (فارسی - انگلیسی).....
۳۶۳.....	نمایه.....

پیشگفتار مترجم

«علمی بودن یا نبودن مدیریت» همچنان محل بحث در میان صاحب نظران است. علاوه بر این، در امکان به کارگیری روش علمی در پژوهش مدیریتی نیز اختلاف نظر وجود دارد. اندیشمندان عرصه مدیریت همواره در پی تبیین این دو موضوع بحث‌انگیز بوده‌اند. کتاب نقدی بر دانش مدیریت بر آن است تا به دست‌اندرکاران مدیریت بگوید تا چه اندازه بر پایه نظریه عمل کنند، دانشجویان رشته‌های مدیریت را از درجه علمی بودن آن آگاه سازد و سرانجام، سطح اعتبار پژوهش‌های مدیریتی را برای پژوهشگران معین کند. نویسنده می‌کوشد اندیشه‌های گوناگون را از نظریه اجتماعی تا نظریه سازمان و فلسفه کاربردی گردهم آورد تا بحث نوینی درباره چرایی و چگونگی سهم پژوهش مدیریتی در عرصه عمل به دست دهد. مباحث فلسفی و جذاب کتاب بی‌گمان روشننگری‌ها و دیدگاه‌های سودمندی را فرا روی مخاطب قرار می‌دهد و او را به تفکر وادار می‌دارد. مترجم آرزومند است به‌درستی از عهده برگردان این متن دشوار برآمده باشد و در عین حال، از صاحب نظران گرامی درخواست دارد لغزش‌های احتمالی را بر او ببخشایند و در صورت امکان، آنها را یادآوری فرمایند. مترجم، از مسئولان محترم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که موجبات برگردان این کتاب وزین و کم‌نظیر را فراهم آوردند و نیز از جناب آقای دکتر دانایی‌فر و جناب آقای علی عسکری که ویرایش فنی و ادبی کتاب را تقبل فرمودند و همچنین، از خانم لیلا مهربانی که کتاب را تایپ و صفحه‌آرایی کردند، کمال سپاس را دارد.

محمد صائبی

تابستان ۱۳۸۹

پیشگفتار مؤلف

این کتاب چه می‌گوید؟

نظریه‌های مدیریت تا چه اندازه درست هستند؟

تا چه اندازه مفیدند؟

اینها پرسش‌هایی هستند بنیادی که کتاب حاضر به آنها می‌پردازد. مضمون اصلی کتاب آن است که پژوهش مدیریتی به‌طور کلی تأکیدی نابجا بر اعتبار* دارد.

نمی‌خواهیم بگوییم پژوهش مدیریتی اساساً اعتباری ندارد. اما باید پرسید دست‌آوردهای پژوهش مدیریتی چه اندازه اعتبار دارند و مهم‌تر از این، چگونه می‌توانیم این دست‌آوردها را به‌گونه‌ای مفید به‌کار بندیم. پاسخی که برای پرسش نخست در دست داریم، اساساً با تردید همراه است؛ زیرا پژوهش در مدیریت، چنان که در دیگر علوم (چه علوم اجتماعی و چه علوم طبیعی) مرسوم است، نتایج معتبر به دست نمی‌دهد. اما این نکته به استنتاجی تردیدآمیز برای پرسش دوم نمی‌انجامد، به این دلیل که پژوهش مدیریتی بی‌فایده هم نیست و نیز اینکه نمی‌توان گفت پژوهش فقط زمانی سودمند است که اعتبار داشته باشد. دیدگاه‌های مدیریتی از راه‌های بسیار برای دست‌اندرکاران و همچنین صاحب‌نظران ارزشمندند، حتی اگر نتوان آنها را بر پایه حقیقت استوار کرد. به هر صورت، نتیجه‌گیری اساسی از این بحث آن است که مدیریت به منزله یک موضوع مطالعه، باید از خودنمایی علمی - دانشگاهی* دوری جوید و به ارزش عملی خود ببالد.

* یادآوری: معادل انگلیسی واژه‌ها یا اصطلاحاتی که با ستاره (*) علامت‌گذاری شده‌اند، در فهرست‌های انتهای کتاب آمده است.

پاره‌ای از نکاتی که در این راه با آنها روبه‌رو می‌شویم چنین‌اند:

- پژوهش مدیریتی برای تولید اعتبار طراحی نمی‌شود؛
 - ارزش اندیشه‌های مدیریتی به میزان حقیقی بودن آنها وابسته نیست؛
 - دانش مدیریت اساساً بومی است و به‌طور طبیعی نمی‌توان آن را تعمیم داد؛
 - دانش مدیریت دست‌کم تا اندازه‌ای برحسب مقاصد افراد قابل درک است؛
 - مدیران خود می‌توانند نظریه‌پرداز باشند؛
 - تقابل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که در پژوهش مدیریتی به‌کار گرفته می‌شود، در جای اصلی خود قرار ندارد؛
 - مدیریت پیچیده و مبتنی بر رویه‌های عملی است، اما نظریه‌های مدیریت به‌طور کلی چنین پیچیدگی‌ای را بازتاب نمی‌دهند؛
 - روش‌شناسی‌ها عموماً تک‌بعدی هستند، درحالی‌که در پژوهش، به رویکردی چند بُعدی نیاز داریم.
- به این ترتیب، چالش بنیادی این پرسش است که آیا مدیریت خواهد توانست موجودیت روزافزون خود را به عنوان یک موضوع مطالعه تثبیت کند، یا آنکه باید در قالب رشته‌ای علمی بازآفرینی شود؛ رشته‌ای که طیفی از موضوعات مختلف را در بر دارد، اما بهتر آن است که خودش به‌صورت عرصه‌ای عملی در نظر گرفته شود.

چرا این کتاب به نگارش درآمد؟

شکاف فزاینده‌ای در مطالعات مدیریت وجود دارد. به موازاتی که این موضوع مطالعاتی رفته‌رفته جلوه علمی - دانشگاهی‌تر به خود می‌گیرد، یک رشته فرعی مدرسه‌ای از آن سر برآورده است که از همه قوانین کلاسیک دانشگاهی پیروی می‌کند، به‌گونه‌ای که در آن پیشرفت، برحسب تولید نظریه و نتایج تثبیت شده اندازه‌گیری می‌شود، فعالیت بر پایه کتاب‌ها و مقاله‌های پژوهشی اندازه‌گیری می‌شود و سرانجام، کیفیت بر اساس دیدگاه‌های گروه علمی همکار مورد داوری قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، هیچ‌گونه کندی هم در روند انتشار کتاب‌ها و مجله‌هایی که مدیران دست‌اندرکار را مخاطبان خود می‌دانند دیده نمی‌شود. دامنه پیشرفت در این قلمرو اجرایی برحسب انتشار و اشاعه و قابلیت کاربری اندازه‌گیری می‌شود. همچنین، کیفیت نیز بیشتر بر پایه موفقیت انتشاراتی داوری می‌شود تا ماهیت محتوا.

نگرانی که در مورد این شکاف وجود دارد آن است که هیچ‌یک از دو طرف واقعاً موفقیت‌های خود را بر پایه عملکرد سازمانی اندازه‌گیری نمی‌کند (اگرچه هر دو ظاهراً به این کار تمایل نشان می‌دهند). فراتر از هر چیز، با این دشواری روبه‌رو هستیم که نمی‌دانیم صاحب‌نظران دانشگاهی چگونه علاقه‌مندی‌ها و نیازهای حرفه‌ای‌ها را مورد توجه قرار می‌دهند و چگونه تلاش می‌کنند تا بر فعالیت‌های واقعی کسب‌وکار تأثیر گذارند. اغلب اوقات مدیران بر پایه دیدگاه‌هایی کار می‌کنند که سال‌ها پیش آنها را در یکی از کلاس‌های خود یا در یکی از برنامه‌های پر زرق و برق رسانه‌ها آموخته‌اند (مثلاً در سخنرانی یک متخصص، معرفی آخرین کتاب فاخری که به چاپ رسیده یا در اخبار رادیو یا تلویزیون، در زمانی که گزارشگر می‌گوید: «آری، ماجرا این است که پژوهشگران اثبات کرده‌اند که استرس هر چه هست از مغز سرچشمه می‌گیرد»).

این کتاب تلاش می‌کند به بخشی از این موضوع بپردازد. برآن نیست که بگوید همه پژوهش‌های مدیریتی بعد عملی محدودی دارند و اصراری هم ندارد که همه مدیران باید گرایش دانشگاهی و نظریه‌ای افزون‌تری داشته باشند (اگرچه فکر می‌کنم مدیران اثربخش بیش از آنچه خود تشخیص می‌دهند، گرایش علمی - دانشگاهی دارند). برعکس، این کتاب سعی می‌کند پژوهش مدیریتی را به منزله عرصه‌ای علمی - دانشگاهی به داوری بنشیند. دست‌کم در بدو امر، به همین دلیل که از چنین عرصه‌ای برمی‌خیزد، می‌پرسد: «آیا پژوهش مدیریتی اصلاً چیزی را بنیاد می‌نهد و واقعاً در باره آنچه از همه این گزارش‌ها، مقاله‌ها و کتاب‌های پژوهشی فرا می‌گیریم، چه می‌توانیم بگوییم؟» به مرور که در صفحات کتاب به پیش می‌رویم، پاسخ این پرسش بارها و بارها به شکل‌های گوناگون مطرح می‌شود: پژوهش مدیریتی به‌طور کلی در شکل رسمی خود نارسایی‌هایی دارد. به عنوان یک قلمرو علمی - دانشگاهی حقایق چندانی را در بر ندارد، بلکه ارزش خود را از کاربرد عملی به دست می‌آورد و بر پایه ابعاد عملی ارزیابی می‌شود.

اما آنچه گفته شد به این معنا نیست که هر اثر پژوهشی ارزنده در مدیریت باید به‌گونه‌ای محدود یک فن «عملی» یا فهرستی از «قواعد طلایی» یا چیزی مشابه آنها باشد؛ برعکس، همه دیدگاه‌های مدیریتی (چه فنی، اندیشمندانه یا بسیار انتزاعی) در نهایت به رویه‌های عملی مدیران اشاره دارند (درواقع این همان چیزی است که مدیران در عمل و به‌طور معمول در مورد دیدگاه‌های مدیریتی انجام می‌دهند). «مدیریت» به عنوان یک عرصه علمی - دانشگاهی

آینده‌ای ندارد. درفصول پایانی کتاب سعی می‌کنیم نشان دهیم پژوهش مدیریتی (برخلاف اینکه به ندرت می‌تواند چیزی را اثبات کند) از چه راه‌هایی می‌تواند سودمندی خود را حفظ کند.

بحث اساسی آن است که رویکردهای گوناگون به روش‌شناسی پژوهش مدیریتی هیچ‌یک در شکل ناب خود درست نیست. چهار رویکرد مشخص مورد بحث قرار می‌گیرند که هر یک به‌طور معمول به منزله یک نظریه «جامع» پژوهش در بافت‌های اجتماعی مطرح می‌شود. خواهیم دید که همه آنها ضعف‌های جدی دارند. اما با این همه، هر یک از آنها شایستگی‌هایی هم دارد. در نتیجه، پژوهش مدیریتی باید عناصری از هر یک را با هم درآمیزد، زیرا بیشتر شکل‌های کنونی پژوهش مدیریتی اساساً ناقص هستند (و به این ترتیب، اصلاً دانشی را درباره مدیریت عرضه نمی‌کنند و اگر هم چنین کنند کامل نخواهد بود).

از آنجا که آنچه گفته شد تردیدآمیز است، ممکن است تصور شود به‌طور تعمّدی قصد تخریب وجود دارد، ولی این‌گونه نیست. هدف آن است که پژوهش مدیریتی را به نقد بکشیم تا محدوده‌های آنچه را می‌توانیم اثبات کنیم، بشناسیم. برآن نیستم که مردم را از پژوهش کردن بازدارم، بلکه به یاری آنان آمده‌ام تا آنچه را پژوهش مدیریتی می‌تواند به دست آورد دریابند. یکی از نکاتی که به آن خواهیم پرداخت آن است که اثبات کردن و اعتبار پژوهشی تنها جنبه‌های ارزشمند اندیشه و نوشتار مدیریت نیستند. دیگر جنبه‌های آن اگر هم مهم‌تر نباشند، اما حائز اهمیت‌اند.

این کتاب برای کیست؟

مخاطبان کتاب را دو گروه اصلی از افراد تشکیل می‌دهند، گروه نخست مجموعه فزاینده‌ای از کسانی است که در دوره‌های آموزش مدیریت شرکت می‌کنند، از جمله دانشجویان دوره‌های کارشناسی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌هایی همچون مدیریت بازرگانی و دیگر موضوعات وابسته، مانند منابع انسانی و بازاریابی. بسیاری از افرادی که در چنین دوره‌هایی شرکت می‌کنند باید پایان‌نامه‌ای بنویسند، البته با شناسایی یک مسئله (اغلب متمرکز بر سازمانی خاص)، پیشینه موجود را مطالعه کنند و یک بررسی میدانی در مقیاس کوچک انجام دهند. آنان همچنین باید محدوده‌هایی را که چنین بررسی‌هایی می‌تواند به آن دست یابد معین سازند.

یکی از جنبه‌های مهم در این مطالعه، اعم از اینکه پایان‌نامه و رساله باشد یا گزارش پژوهشی علمی، اعتبار آن است؛ یعنی، طرح پژوهش و رویکرد بنیانی به اعتباری که این طرح در بر می‌گیرد. هنگامی که پژوهشگر مطالعه خود را طراحی می‌کند، گزینه‌های بسیاری را در برابر خود دارد. این گزینه‌ها بیشتر اوقات طیفی از روش‌شناسی‌های مختلف هستند که هر یک مدعی صحت و درستی است و بر همین پایه، پیروان آن، دیگر روش‌شناسی‌ها را کنار می‌گذارند.

بر پایه یکی از پارادایم‌ها، هیچ چیز واقعاً حقیقی نیست، مگر آنکه عنصری قابل اندازه‌گیری در آن باشد. برای مثال، اگر کسی با این دیدگاه، پایان‌نامه‌ای را درباره راهبرد بخصوصی در بازاریابی در پیش می‌گیرد، غالباً مطالبی را در قالب درصدها، نسبت‌ها، همبستگی‌ها و نظایر آن فراهم می‌کند. هر چیز دیگری غیر از اینها از نظر او به دلیل مبهم بودن ارزش چندانی ندارد، اما پارادایم دیگر بر این باور است که تولید واقعیت‌های محکم از این دست، بسیار خاص و بیش از اندازه غیرشخصی است. برای چنین پژوهشگری، مسئله مهم درک گستردگی و عمق احساس‌های مردم است. پژوهشگری که از این پارادایم پیروی می‌کند پایان‌نامه‌ای را در زمینه بازاریابی فراهم می‌آورد که مثلاً بر چگونگی باور افراد نسبت به راهبردی خاص تمرکز می‌کند. کژفهمی مرسوم می‌که وجود دارد آن است که تنها یکی از این روش‌شناسی‌ها راه بهینه (یا تنها راه) برای دستیابی به حقیقت در مدیریت به شمار می‌آید. اندیشه افراطی دیگر (و به همان میزان گمراه‌کننده) که کتاب‌ها به قدر کافی به آن نپرداخته‌اند، آن است که این طرح‌های پژوهشی گوناگون نوعی حق انتخاب به دست می‌دهند، تا جایی که گویی روش‌شناسی یک موضوع سلیقه‌ای است. بسیاری از کسانی که به تدوین پایان‌نامه یا رساله به منزله بخشی از برنامه تحصیلی مدیریتی خود می‌پردازند، ممکن است تصور کنند که روش‌شناسی‌های مختلف قابل جایگزینی با یکدیگرند و آنان می‌توانند هر یک را به عنوان راهی معتبر برگزینند. اما با روشن بینی پیشرفته‌تر می‌توان دریافت که آنان تقریباً به‌طور غریزی یک روش را متقاعدکننده‌تر و «حقیقی‌تر» از دیگری می‌یابند.

نکته اخیر یکی از جنبه‌های فرآیند پژوهش مدیریتی به شمار می‌آید که به‌طور ذاتی متغیر است. از آنجا که افراد مفروض‌های* فلسفی بنیادی مختلفی دارند، پژوهشگرانی که مقاله یا گزارش تحقیقی تولید می‌کنند نیز رویکرد متفاوتی به کار خود دارند و بازده آنان این تفاوت بنیادی را منعکس می‌کند. همچنین، بازنگری‌ها و بازتاب‌های خوانندگان نیز به همان اندازه پاسخ‌های آنان را به این رویکرد منعکس می‌کند که به محتوا و نتایج آن پژوهش نشان می‌دهد.

اما مسئله‌ای عمیق‌تر در میان است. این واقعیت محض که گروهی از مردم گونه‌ای از پژوهش را پذیرفتنی‌تر از دیگر گونه‌ها می‌یابند، پرسشی را مطرح می‌کند که: معتبرترین رویکرد کدام است؟ آیا رویکردها به یک اندازه معتبرند؟ یا به یک میزان بی‌اعتبارند؟ این مسئله اعتبار همه پژوهش‌های اجتماعی کاربردی را در بر می‌گیرد و از این روی، باید عنصری برجسته از هر رساله باشد، یعنی آیا اساساً چیزی واقعی درباره موضوع رساله مطرح می‌کند.

این نکته بسیار بحث‌انگیز است، اما هنوز به اندازه کافی مورد ارزیابی دانشجویان مدیریت قرار نگرفته است تا تأثیر خود را مثلاً بر یک رساله مرسوم مدیریت بازرگانی نشان دهد. اما بدون چنین فهمی، آنان واقعاً نمی‌دانند که آیا پژوهش آنها به واقع آنچه را در سازمانشان موجود است منعکس می‌کند، یا آیا داستان‌سرایی و «برداشت شخصی» آنان از پدیده مورد مطالعه است.

به این ترتیب، هدف این کتاب یاری دادن به دانشجویان مدیریت است تا درباره ماهیت اعتبار، درجه اعتبار پژوهش آنان و شاید مهم‌تر از همه، درجه اهمیت موضوع اعتبار در رساله‌شان بینشی در آنان پدید آید.

کسانی که به تدوین پایان‌نامه و رساله می‌پردازند باید لغزش‌های عملی در اجرای پژوهش سازمانی را درک کنند، از جمله در انتخاب بهترین روش‌های گردآوری داده‌ها، مناسب‌ترین راه‌های پاسخ دادن به یک سؤال پژوهشی و مانند آن. کتاب‌های بسیاری در دسترس هستند که می‌توانند تا اندازه‌ای در این موارد کمک کنند. کتاب‌های کاربردی‌ای در اختیار داریم که بسیاری از آنها با اثربخشی فنی به روش‌های خاص گردآوری داده‌ها، مانند مصاحبه می‌پردازند. همچنین، کتاب‌هایی نیز وجود دارند که پژوهش در مدیریت را عرضه می‌کنند. اما هیچ‌یک از آنها نقدی بر پژوهش ارائه نمی‌کند، و این در واقع همان شکافی است که کتاب حاضر قصد دارد آن را جبران کند. افزون بر این، بعداً خواهیم دید که همین عنصر نقد برای درک کامل آنچه برنامه پژوهش می‌تواند به دست آورد ضروری است.

بنابراین، وظیفه اصلی کتاب برای این دسته از خوانندگان آن است که طیفی از این مباحث را در اختیار آنان بگذارد، تا نگرش آگاهانه‌تر و منتقدانه‌تری به مطالب پژوهشی که می‌خوانند و پژوهشی که انجام می‌دهند به دست آورند. کتاب حاضر جایگزینی برای کتاب‌هایی که به مسائل عملی پژوهش در علوم اجتماعی می‌پردازند نیست، اما به تشریح آنها کمک می‌کند، آن هم با عرضه روش‌هایی که به جای خلق دانش مدیریت صرفاً به آن کمک می‌کنند. همین ابهام موجود بین خلق کردن و کمک کردن سراسر کتاب را در بر می‌گیرد.

دومین گروه از مخاطبان این کتاب را جامعه پژوهشگران دانشگاهی رشته مدیریت تشکیل می‌دهد. مجدداً همان درجات متفاوت اعتبار وجود دارد، یعنی مجموعه‌ای از رویکردها، سبک‌ها و مفروضات فلسفی بنیانی. تفاوت اولیه بین این گروه و دانشجویان تحصیلات تکمیلی آن است که مقررات را همین گروه دانشگاهی وضع می‌کند.

آنچه مبنای پژوهش درست را تشکیل می‌دهد اساساً از سوی شوراهای نویسندگان مجله‌های وزین تعیین می‌شود.^۱ به‌طور کلی، استادان برجسته دانشگاه‌ها در رشته مدیریت در این شوراها عضویت دارند. بی‌اطمینانی به درجه اعتبار دست‌آوردهای فعالیت‌های پژوهشی در قلمرو مدیریت (یعنی بی‌اطمینانی درباره آنچه را که می‌توان دانش مدیریت به شمار آورد)، در شمار ویژگی‌های موضوع مورد بحث ما قرار دارد که این جامعه دانشگاهی هنوز نتوانسته است آن را بر طرف کند.

هدف کتاب برای این گروه عرضه پاسخی روشن به این پرسش است که: «پژوهش مدیریتی چقدر اعتبار دارد؟»، پرسشی که شک‌آمیز است اما نمی‌توان آن را کاملاً نادیده گرفت. چنان که پیشتر بیان شد، پاسخ آن است که بخش بزرگی از پژوهش مدیریتی بر خلاف تصور و ادعای نویسندگان، عاری از اعتبار است. با این حال، بر این مبنا نمی‌توان سودمندی آن را نادیده گرفت. هر یک از چهار پارادایم که پیشتر به آنها اشاره کردیم می‌تواند سهمی ارزشمند داشته باشد؛ نکته در این است که باید درک کرد آنها چگونه می‌توانند به‌طور مشترک و در پیوند با هم در تولید دانش مدیریت ایفای نقش کنند. اما این مشارکت را در عرصه علمی - دانشگاهی نمی‌یابیم. سودمندترین دست‌آوردها به جای آنکه مدعی عرضه حقایق در این رشته باشند، در قلمرو آموزش شغلی جایگاهی یافته‌اند.

مخاطبان دانشگاهی می‌خواهند بدانند استدلال‌های این کتاب در مقایسه با دیگر رویکردهای نظری همچون اثبات‌گرایی،^{*} نسبیت‌گرایی،^{*} علم تفسیر،^{*} نظریه انتقادی،^{*} پدیدارشناسی^{*} و مانند اینها، در چه موضعی قرار دارد. این کتاب نه بر پایه پارادایم مشارکت پژوهشگر در اجرا^{*} و نه بر اساس نظریه انتقادی نگاشته شده است، اما به هر دو وامدار است. به‌طور کلی، من در زمینه روش‌شناسی‌های پژوهش بر رویکرد گلچین کردن یا التقاطی تأکید دارم. البته نه از روی بی‌اعتقادی به آنها، بلکه استدلال من برای این اظهار نظر که توجه به طیف پارادایم‌ها در روش‌شناسی پژوهش اجتماعی ارزشمند است، آن است که آنها همگی حرفی برای گفتن دارند. واقعیت آن است که اکثر روش‌شناسی‌ها از یک پارادایم بسیار می‌گویند و از دیگران هیچ.

فصل دوازدهم پاره‌ای از دیدگاه‌های «یورگن هابرماس»^۲ را اقتباس می‌کند و بر نیازهای مدیران دست‌اندرکار به عنوان آزمون اصلی برای هر پژوهش مدیریتی تأکید دارد. اینکه پژوهش مدیریتی چیست، کمتر مسئله اساسی را تشکیل می‌دهد، تا اینکه به چه اندازه سودمند است. باید توجه داشت که این همه پژوهش، کمتر ارزش ملموس ارائه می‌کنند و بیشتر به این نظریه و آن نظریه می‌پردازند.

بحث اصلی این کتاب چیست؟

بیشتر نکته بنیادی کتاب بیان و اشاره شد که پژوهش مدیریتی به‌طور معمول معتبر نیست و بهتر است در آن‌گونه قالب‌ها مد نظر قرار نگیرد. مضمون قانونی آن است که مسائل کلی روش‌شناسی پژوهش در علوم اجتماعی حتی حادث‌تر در پژوهش مدیریتی کاربرد دارد. در دیگر رشته‌های مطالعات اجتماعی (همچون جامعه‌شناسی محض)، در زمینه ماهیت سؤال برانگیز پژوهش در رفتار آدمی هشیاری وجود دارد. در محدوده همین اتفاق نظر آکادمیک کلی است که با توده‌ای از مسائلی مرتبط با هم روبه‌رو هستیم که چنین پژوهشی را تا این حد بحث‌انگیز می‌کنند. چنین شناختی در دیگر عرصه‌های پژوهش اجتماعی کاربردی در مقایسه با مدیریت خیلی کمتر است. قصد من آن است که در بحث دانش مدیریت، بر این مسائل روش‌شناسی بیشتر تأکید کنم.

در بیشتر نوشتارهای پژوهش مدیریتی رویکردها دو قطب را تشکیل داده‌اند؛ برخی از نویسندگان، پژوهش در علوم اجتماعی را مشابه پژوهش‌های علوم طبیعی می‌دانند (حتی تعدادی از آنان اعتقاد دارند هیچ تفاوتی بین آنها وجود ندارد). از دیدگاه آنان کار اصلی پژوهشگران علوم اجتماعی اندازه‌گیری و عرضه فرضیه‌های آزمون‌پذیر درباره رفتار انسان است. اما گروه دیگر خاطر نشان می‌کند که انسان را موضوع فرآیند پژوهش قرار دادن، جستارگری مستقل برای پژوهشگر را آن‌گونه که شیمیدان و موضوع پژوهش او (مثلاً، رفتار نوع خاصی از ترکیبات سیلیکن) از یکدیگر جدا هستند، به شدت دشوار (اگر نه ناممکن) می‌کند. از این روی، چنین گونه‌گونی و فراوانی در روش‌ها و روش‌شناسی‌های پژوهش این پرسش را پدید می‌آورد که: آیا آنها اعتبار دارند؟ آیا آنها همگی جنبه‌های حقیقی مدیریت را توصیف می‌کنند؟ اگر پژوهش مدیریتی بتواند حقیقت مستقلی را کشف کند، پس پژوهشگران مختلفی که در این رشته کار می‌کنند لزوماً باید به نتایج مشابهی دست یابند (آزمون اعتمادپذیری یا پایایی)*

نتایج)، یعنی اگر نوعی الگوی بنیانی در رویدادهای تحت پژوهش وجود داشته باشد، روش‌های مختلف گردآوری داده‌ها باید به نتیجه‌ای مشابه یا یکسان منجر شوند. این امر بازتابی است از فهم ابزاری روش‌شناسی؛ در واقع روش‌های پژوهش به منزلهٔ وسیله‌ای برای توانمند کردن پژوهشگر در نزدیک‌تر شدن به حقیقت بنیانی قلمداد می‌شود. اما اگر پژوهشگران مختلف به نتایج مختلف دست پیدا می‌کنند، باید پرسید که آیا هر یک از این روش‌شناسی‌ها توانسته است به آن حقیقت بنیانی دست یابد.

برای نمونه، مثال یا قیاس تلسکوپ را در نظر بگیرید. اگر مردم آن روزگار در تلسکوپ گاليله نگاه می‌کردند و تصویرهایی متفاوت از آنچه او دیده بود می‌دیدند، تلسکوپ به مثابه چیزی که چهره‌ای جدید و شگفت‌انگیز را از حقیقت آشکار ارائه می‌کند مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت. در نتیجه، هیچ‌گاه به عنوان راهی برای آشکار کردن حقیقت پذیرفته نمی‌شد، بلکه آن را شبیه لوله‌ای شکل‌نما* می‌پنداشتند که فقط اسباب بازی یا وسیله‌ای است برای تماشای شکل‌های رنگارنگ، بی‌آنکه نشانگر دنیای واقعی باشد. سازگاری* نتایج که مردم با نگاه کردن به درون تلسکوپ آن را می‌یافتند بخشی از آن چیزی بود که آنان را دربارهٔ وجود ابزاری جدید و ارزشمند برای پژوهش متقاعد می‌کرد. یکی از مسائل بنیادی برای کسب اطمینان از وجود سازگاری در پژوهش مدیریتی چگونگی مقایسه معقول نتایج در این رشته است. در وضعیت کنونی، پارادایم‌های* مختلف به انواع یافته‌های بسیار متفاوت می‌انجامد، یعنی نتایج کلی ظاهراً با تحلیل‌های آماری تفاوت دارند. بنابر این، آنها چگونه می‌توانند راه‌های مختلفی برای پژوهش در زمینهٔ پدیدهٔ واحدی باشند؟

از سوی دیگر، گروهی از صاحب‌نظران خاطر نشان می‌کنند که پژوهش فرآیندی مکانیکی نیست. فرد باید مدل‌ها را در نظر بگیرد، به پرسش‌های پژوهش بیندیشد و نتایج را تفسیر کند. مسئله مهم در پژوهش این است که پژوهشگر باید چگونگی گردآوری و تفسیر اطلاعاتی را که دربارهٔ دیگر انسان‌ها ست یا از آنان دریافت می‌شود مد نظر قرار دهد. این مطالعه و پژوهش نوعی تعامل است و نتیجهٔ پژوهش نیز محصولی برگرفته از دو عنصر خواهد بود: فردی که مورد پژوهش* قرار می‌گیرد و پژوهشگری که به نوعی مداخله‌ای را انجام می‌دهد، چه آن قدر کوچک که در حد مشاهدهٔ خصوصی و تفسیر رفتار گروهی از کارگران یا به اندازهٔ یک پژوهش عملی یا کنش پژوهی* گسترده باشد. این اندیشهٔ «روش‌شناسی به عنوان نوعی خلق»، بر چگونگی تکوین نتایج از سوی پژوهشگر تأکید دارد و فرآیند را به منزلهٔ رابطهٔ بین پژوهش

و فرد مورد پژوهش قلمداد می‌کند که البته در تقابل با رویکرد قبلی (که این فرآیند را به مثابه تلاشی برای نمایاندن جهان از طریق یک نظریه یا نتیجه‌ای تکرارپذیر توصیف می‌کند) قرار دارد.

گونه‌گونی رویکردهای پژوهش اجتماعی کاربردی به همین دو موردی که بیان شد ختم نمی‌شود. سومین عنصر مهم در رشته‌هایی همچون مدیریت، جنبه عملی و اجرایی^۳ آنهاست. لذا این عنصر برای تشریح روش‌شناسی‌ها دو بعد در بر دارد؛ نخست، بُعد «علوم طبیعی - تفسیر انسانی»^{*} و دوم، «استقلال پژوهشگر - درگیری پژوهشگر در عمل»^{*}.^۴ چنان که در دو بخش نخست کتاب خواهیم دید، بیشتر رویکردها نوعی تلاش برای مد نظر قرار دادن این بعدها به شمار می‌آیند. در آنجا استدلال خواهیم کرد که اختلاف نظر گسترده و جدی درباره پژوهش اجتماعی به‌طور کلی این نکته را نادیده می‌گیرد؛ زیرا معمولاً بر شایستگی‌های رویکردهایی خاص یا نارسایی‌های رویکردهایی دیگر تأکید می‌ورزد. در واقع آنها همگی حتی در بهترین شکل خود هم نابسندانه‌اند. اما سرانجام، رویکردی ترکیبی را پیشنهاد خواهیم کرد که نشان می‌دهد تولید دانش مدیریت چگونه به مشارکت طیفی از پارادایم‌های پژوهشی مختلف نیاز دارد.

منظور از طرح این نکته به‌طور کلی آن است که پژوهشگران دانشگاهی به خطا می‌روند و نیز، نیازها و خواست‌های مدیران حرفه‌ای باید به‌گونه‌ای مستقیم‌تر مورد توجه قرارگیرد. افزون بر این، شاید بهتر است که این کار را به خود مدیران واگذاریم تا در مسائل خود پژوهش کنند و راه‌حلهایی را که نیاز دارند پدیدآورند.

مسئله دیگری نیز از درون طیف روش‌های موجود برمی‌خیزد. روشی که برای گردآوری شواهد در هر مطالعه پژوهشی برگزیده می‌شود بر نوع نتیجه‌ای که ممکن است به‌دست آید، تأثیر عمده‌ای می‌گذارد. اگر از مردم راجع به برداشت‌هایشان پرسید، پاسخ‌هایی را درباره ادراک‌ها و احساس‌هایشان به‌دست می‌آورید و در نتیجه شما رساله‌ای خواهید داشت درباره احساس‌ها و برداشت‌ها. از سوی دیگر، در راه پژوهش برای اطلاعات مرتبط با تهدیدهایی راهبردی اگر به پرس‌وجو درباره پایگاه داده‌های اقتصادی بپردازید، آنگاه بی‌گمان رساله‌ای خواهید داشت که محیط اقتصادی را تحلیل می‌کند. شما آن چیزی را که جستجو می‌کنید، می‌یابید، البته برحسب طیف پاسخ‌های ممکن. شاید برخی پژوهشگران در گردآوری و تحلیل داده‌های مربوط به احساس‌ها و برداشت‌های پاسخگویان خود عینی‌گرا باشند و احتمالاً به

نتایج شگفت‌آوری برسند (که همیشه نشانه‌ای است از میزان استقلال پژوهشگر). اما روشی که آنان برای پژوهش خود برگزیده‌اند همچنان بر نوع پاسخی که می‌توانسته‌اند به آن برسند تأثیر گذارده است. خواه‌ناخواه، دو روش مختلف پژوهش، به دو نوع نتیجه متفاوت می‌رسند. بنابراین، چگونه هر دو می‌توانند با یک حقیقت یگانه پیوند برقرار کنند؟ مطالعه‌ای که بر بخشی از یک موضوع استوار باشد، چقدر می‌تواند مدعی باشد که به حقیقت یا حتی بخشی از حقیقت آن موضوع پرداخته است؟

این موضوع و مسائل مرتبط با آن را در متن اصلی کتاب می‌کاویم، اما علت اشاره به آنها در اینجا تأکید بر وجود این اختلاف نظر است؛ زیرا بسیاری از کتاب‌های مربوط به پژوهش مدیریتی موضوع را بیش از اندازه ساده و سراسرست تلقی می‌کنند.

شاید بتوان یکی از نشانگان این مسئله را با مراجعه به مجله‌های دانشگاهی عمده در عرصه مدیریت یافت.^۵ آنچه خواننده در مجله‌های موجود می‌یابد انواع مختلف پژوهش و انواع راه‌های ارائه آنها را دربرمی‌گیرد. در پاره‌ای از آنها، بررسی‌های رسمی از سنت پیروی می‌کنند، و در گروه دیگری تأکید بر تبیین محتوا و جوهره اندیشه جدید نویسنده قرار دارد، و حتی دسته دیگری هم وجود دارد که در آن بر رویکرد تفسیری تأکید می‌شود. اما این گونه‌گونی در جای خود حاکی از آن است که برای آنچه پژوهش معتبر به شمار می‌آید حتی اتفاق نظر ساده‌ای هم دیده نمی‌شود. گویی همه این ناشران دچار چنان اختلاف نظر عمیقی هستند که نمی‌توانند آن را حل کنند. آنجا که بیشترین نگرانی وجود دارد مجله‌هایی هستند که بیانیه محکمی برای فلسفه انتشاراتی خود دارند، که باید پرسید این رویکرد نوعی تعهد دانشگاهی است یا دفاع شخصی حرفه‌ای؟

ساختار کتاب

کتاب شامل سه بخش است. در بخش نخست به نقش دانش در مدیریت نگاه می‌کنیم. خود این عرصه را تشریح می‌کنیم و تأکید می‌ورزیم که کتاب درباره همه پژوهش‌های بازرگانی نیست، بلکه فقط به پژوهش مدیریتی می‌پردازد. به این ترتیب، مرزهای مشخص بحث خود را معین می‌کنیم، سپس خواست‌های ناسازگار در دیدگاه‌های مدیریتی را که حفظ سطحی از حقیقت و درجه‌ای از سودمندی کاربردی را به‌طور توأمان دشوار می‌کند مورد توجه قرار می‌دهیم. آنگاه، به عامل‌هایی همچون ایدئولوژی و فرهنگ ملی توجه خواهیم کرد. پیام

کلی آن است که عواملی چند وجود دارند که ادعاهای اصالت را در بسیاری از پژوهش‌های مدیریتی به شدت کمرنگ می‌کنند.

در بخش دوم، روش‌شناسی‌ها را به گونه‌ای گسترده‌تر می‌کاویم. به رویکردهایی نظر می‌افکنیم که مقایسه مستقیمی را با علوم طبیعی (که دربردارنده آن چیزی است که من ادراک ابزاری روش‌شناسی نامیده‌ام) فراهم می‌کنند و نیز به گسترش اخیر رویکردهایی توجه می‌کنیم که ادعا می‌کنند پژوهش در علوم اجتماعی نباید سعی کند به تقلید از روش‌های علوم طبیعی بپردازد (و همچنین بر رویکرد مبتنی بر نوآوری و خلاقیت که پیشتر به آن اشاره کردیم توجه دارند). در میان اینها می‌توان به سنت به اصطلاح پسامدرن،^{*} مشارکت پژوهشگر در اجرا (از جمله پژوهش عملی یا کنش پژوهی^{*})، و رویکردهای مرتبط با موضوع بحث، مانند علم تفسیر^{*} و پدیدارشناسی^{*} اشاره کرد.

چنانچه بخواهیم هر یک از اینها را به منزله بنیادی کلی برای اعتبار پژوهش مدیریتی در نظر بگیریم، با دشواری‌های جدی روبه‌رو خواهیم شد.

دو بخش نخست کتاب به اتفاق هم می‌گویند که در پژوهش مدیریتی، یافتن حقیقت دشوار است. اما بخش سوم مدعی است که این موضوع آن‌گونه که ممکن است در بدو امر جلوه کند، چندان مشکل‌ساز نیست. در جای خود استدلال خواهیم کرد که سودمندی و ارزش اندیشه‌ها در مدیریت وابسته به حقیقی بودن یا نبودن آنها نیست. این بحث تا اندازه‌ای از مفهوم نظریه انتقادی^{*} نشأت می‌گیرد، اگرچه به شکل اقتباسی. ریشه‌های چهار روش‌شناسی شاخص که در بخش دوم تشریح می‌شوند، با شیوه‌ای که در آن، دیدگاه‌ها را برای عرصه عمل به هم پیوند می‌دهیم تفاوت دارد. هر یک از اینها می‌تواند ضمن تعامل با دیگر شیوه‌ها و ویژگی‌ها، سهمی ارزشمند در دانش مدیریت داشته باشد.

سبک کتاب

بحث کتاب بر مسائل اجرایی و عملی که پژوهشگر با آن روبه‌رو است متمرکز خواهد شد، خواه آن پژوهشگر دانشجوی یا مدیر دست‌اندرکار یا مدرس باشد. گروهی از نویسندگان آرزومندانه بر این باورند که نظریه‌های خوب به‌طور درونی عملی هستند. اگر منظورشان این است که هر قدر رویکرد پژوهشی بهتر باشد، نتیجه مفیدتری در پی دارد، این اندیشه بسی نارساست. راه‌حلی که پژوهشگر برای مشکلاتی همچون نابسندگی داده‌ها یا راه‌های عملیاتی

کردن مفاهیم گسترده بر می‌گزینند، تأثیری شگرف بر نتایج به‌دست آمده و بر قابلیت عملی شدن آنها دارد و واژه «عملی» به هر حال ابهام‌انگیز است. مرز بین نظریه و عمل آن قدر که آرزی «نظریه‌های خوب به‌طور درونی عملی هستند» بیان می‌کند، روشن نیست. رویکردی که این کتاب در پیش می‌گیرد مبتنی بر این ادعا است که بین نظریه و عمل مرزی خاکستری وجود دارد که باید از آن بیشترین بهره را برد. البته با این دیدگاه بر آن نیستیم که ضرورت ارزیابی نظریه‌ها و اندیشه را در بعد عملی نادیده بگیریم، بلکه حتی باید به‌گونه‌ای انتقادی‌تر به آن روی آوریم، و نیز بپذیریم که مسیر درست معمولاً از نظریه خوب به سمت کاربری عملی نیست، بلکه حرکت از کاربری عملی به سوی نظریه خوب محتمل‌تر است. با این حال، خطای واقعی در این است که تظاهر کنیم وضعیت دو قطبی وجود ندارد، یا چون این بهترین کاری است که می‌توانیم انجام دهیم، پس آن را نادیده بگیریم.

از نظر سبک، این کتاب به کتاب پیشین نگارنده، یعنی «مدیریت بر ارزش‌ها»^{*} شبیه است؛ زیرا مباحث عملی مشخص همراه با مطالب تحلیلی بیشتر و مثال‌های تشریحی در بر دارد. میزان قابل توجهی مباحث نسبتاً انتزاعی که در این قلمرو، اجتنابی از آن نیست، گنجانده شده است. اگر خوانندگان با این ابهام روبه‌رو شوند که مسئله واقعی کتاب چیست و کل بحث به کجا خواهد انجامید، به آنان توصیه می‌شود درباره آنچه کتاب می‌خواهد در زمینه پروژه‌های واقعی پژوهشی بگوید به‌گونه‌ای قطعی و مثبت بیندیشند، که این شیوه البته همیشه کارساز نخواهد بود اما سودمند است. هر فصل خلاصه‌ای از نکات اصلی را در بر دارد؛ یکی از راه‌های مطالعه کل کتاب آن است که ابتدا این خلاصه‌ها خوانده شود و سپس هر یک از فصل‌ها مطالعه گردد.

نکته دیگری که به سبک مربوط می‌شود استدلال‌های بحث‌انگیز کتاب است؛ که البته با نگرشی شوق‌انگیز، به دور از گزافه‌گویی و نقد افراطی ارائه می‌شوند. دست‌آورد اصلی که من در پی آن هستم، برانگیختن خوانندگان به این نکته است که وضعیت کنونی روش‌شناسی پژوهش مدیریتی رضایت بخش نیست و از این روی، باید در همه تلاشی که در این عرصه صورت می‌گیرد تجدید نظر شود. چنانچه خواننده درباره این کتاب خود را با تردید روبه‌رو می‌بیند، پس کتاب توانسته است به هدف اصلی خود دست یابد.

هر جا ضرورت‌های روشنگری بحث را به یک سو و ضرورت‌های توازن به سویی دیگر می‌کشاند، اغلب حالت نخست اولویت می‌یابد. «توازن» تا حدودی نسبی است؛ شمار بزرگی

از کتاب‌های توصیفی در مورد چگونگی اجرای پژوهش مدیریتی در دست است که یا به‌طور بی‌شرمانه‌ای اثبات‌گرا^۵ هستند، یا به سادگی این مسائل بسیار دشوار را نادیده می‌گیرند. بنابر این، اگر کسی در پی «توازن» است بدترین کاری که می‌تواند انجام دهد این است که تفسیرهایی را که در اینجا صورت می‌گیرد با محتوای دیگر کتاب‌های مرتبط با موضوع حاضر مقایسه کند.

هدف این کتاب سیری است در کل عرصه اندیشه‌های مدیریت که در زمینه امور عمومی شکل می‌گیرند و عرضه می‌شوند. «پژوهش مدیریتی» می‌تواند مدلی علمی - دانشگاهی همراه با مطالعات علمی سازمانی را از راه تدوین مقاله‌های پژوهشی و ارائه آنها در نشست‌های رسمی پدید آورد. اما این بخش کوچکی است از آنچه می‌خواهم از آن بحث کنم. دست‌کم اینکه مقدار فراوانی مطلب در دسترس همگان قرار دارد که شاید برگرفته از منابع پژوهشی نه چندان رسمی باشد. ممکن است برخی دانشگاهیان اینها را عامه‌پسند کردن و خطرآفرین به شمار آورند و لذا آنها را مردود بدانند. اما من استدلال خواهم کرد که آنها واجد اهمیت فراوانی هستند که به ظاهر دیده نمی‌شود.^۶

بنابراین، به بحث درباره پژوهش در مدیریت، دانش مدیریت، اندیشه‌های مدیریت و نوشتارهای مدیریتی می‌پردازیم به‌طوری که گاهی این اصطلاحات را به جای یکدیگر به‌کار می‌بریم و گاه دقیقاً به یکی از آنها اشاره می‌کنیم. این به‌گزینی بسیار مهم است؛ زیرا نیروی پیش‌برنده اصلی در بحث ما آن است که پژوهش مدیریتی باید به مدیریت عملی کمک کند و از این‌روی، همه دست‌آوردهای تفکر و جستارگری در مدیریت که می‌توانند بر مدیریت عملی تأثیر بگذارند در بحث ما می‌گنجد، اگرچه مثال‌های محوری و بسیار شاخص از چارچوب‌های علمی برمی‌خیزند.

آخرین نکته‌ای که باید در این پیشگفتار بیان شود طرح این پرسش است که آیا من نسبت به اندیشه‌های دقیق نویسندگانی که به ویژه در بخش دوم مطرح کرده‌ام وفادار بوده‌ام؟ نه کاملاً! مسئله مهم آگاهی از طیف رویکردها به پژوهش و دانش مدیریت و ارزیابی این نکته است که طیف یادشده چگونه می‌تواند در درک فرآیندهایی که برای تولید آن دانش به‌کار می‌گیریم به ما کمک کند. جنبه‌های خاص رویکردهایی معین به‌قدر الگوهای کلی مهم نیست؛ از این‌روی، هیچ‌یک از بحث‌های مرتبط با اندیشه‌های نویسندگان در این کتاب از نظر تفسیری دقیق نیست. نکته در این نیست که آیا من مثلاً درباره «کارل پوپر»^۷ یا «میشل فوکو»^۸ «برداشتی

نادرست» داشته‌ام (که از دیدگاه برخی فوکوشناسان چنین کرده‌ام)^۹، بلکه نکته واقعی این است که دیدگاهی شبیه عقاید پوپر یا فوکو چگونه پیوندی با درک ما از فرآیندهایی دارد که دانش مدیریت از سوی آنها تولید می‌شود. نوع اندیشه بسی مهم‌تر از قالب دقیقی است که پدیدآورنده‌اش آن را بیان کرده است. آری، ممکن است من پاره‌ای اندیشه‌ها را تحریف کرده باشم. با این همه، آنچه از سوی این یا آن شخص گفته شده، آن اندازه مهم نیست که ارتباط آن با موضوع مورد بحث.

همان‌گونه که پیشتر اشاره کردم، بحث من در ظاهر مخرب است. فقط وقتی که به هنگام اجرای پژوهش در عرضه مدیریت به روشنی در می‌یابیم که چه کنیم، خواهیم دانست که تاچه اندازه می‌توانیم به آن اعتماد کنیم. آرزو دارم این کتاب نه تنها غذای اندیشه باشد، بلکه اندیشه‌هایش غذای عملیات و ادراکات شما را فراهم آورد.

یادداشت‌ها

۱. کاریکاتور الگوی ایجاد یک رشته دانشگاهی جدید در روزگار ما عبارت است از گردآوری شماری از دانشگاهیان همفکر، برگزاری چند کنفرانس یا سمینار در زمینه رشته‌ای که قرار است بنیانگذاری شود، راه‌اندازی مجله‌ای مستقل، استفاده از اعضای هیئت علمی همفکر، به عنوان شورای نویسندگان و با یک چشم بر هم زدن، در اختیار گرفتن یک عرصه دانشگاهی جدید. فرضیه‌ای جالب (که من شخصاً پژوهشی را درباره آن ندیده‌ام) این است که عرصه‌ها و رشته‌های فرعی در مدیریت بازتابی از مسیرها و رشته‌های شغلی مردم باشند. در این صورت، مربیانی که پای به درون آموزش مدیریت می‌گذارند می‌توانند به رشته آموزش و بهسازی منابع انسانی بپردازند، یا مهندسان می‌توانند در مدیریت عملیات مهارت یابند، یا حسابداران در مدیریت مالی تخصص بگیرند و... پس، بر پایه چنین فرضیه‌ای، مقوله‌بندی موضوعات مدیریتی کمتر برحسب ماهیت موضوع و بیشتر بر اساس سابقه آموزشی و حرفه‌ای افراد ذی‌ربط صورت خواهد گرفت.
2. Jorgen Habermas
۳. همچنین انتظار این است که پژوهشگر بتواند در زمینه موضوع اصلی در این رشته سهمی داشته باشد. اثرگذاری پژوهش کمتر به حقیقت آن مربوط می‌شود تا به درجه پاسخگویی آن به چند سؤال، مطرح کردن سؤال‌هایی جدید یا تغییردادن نگرش مردم نسبت به موضوع مورد پژوهش. خلاصه اینکه اعتبار پژوهش چنان اهمیت ندارد که جنبه کاربردی آن.
۴. این نکته مبنایی خواهد شد تا پارادایم‌های روش‌شناختی موجود بر پایه آن در بخش دوم مورد بحث قرار گیرند.
5. The Harvard Business Review, The Academy of The Management Review, The British Journal of Management, The Journal of Management Inquiry.
۶. واقعاً برخی از آنها از چنین اهمیتی برخوردارند. به خصوص، کتاب جالب فوروستن (Furusten, 1999) را در زمینه نوشته‌های مشهور مدیریت مطالعه کنید.
7. Karl Popper
8. Michel Foucault
۹. اگرچه چنین چیزی دشوار نیست؛ اساساً مکاتب مختلفی برای تفسیر اندیشه‌های «فوکو» وجود دارد.

بخش اول

اندیشه دانش مدیریت
